

گزارشی از بررسی باستان‌شناسی و نویافته‌های آثار تاریخی شهرستان بشرویه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰

بهرام عنانی^۱

مصطفی شریفی^۲

چکیده

شهرستان بشرویه در شمال غربی استان خراسان جنوبی قرار دارد که از نظر موقعیت طبیعی، شمال و جنوب آن را به ترتیب کویر نمک و کویر لوت، شرق آن تپه‌های شنی و تل‌های ریگ روان و غرب آن را کوهستان‌های شتری در بر گرفته است. برای اولین بار تاریخ‌نویسان و سفرنامه‌نویسانی همچون مقدسی و ناصر خسرو در قرون ۴ و ۵ قمری به این حوزه اشاراتی نموده‌اند. طی بررسی باستان‌شناسی صورت گرفته در سال ۱۳۹۱ ش. در مجموع ۱۶۵ اثر تاریخی در این شهرستان شناسایی و معرفی شده، که دارای تنوع زیادی می‌باشند. این آثار شامل قلاع باستانی، خانه‌های قدیمی، برج‌های دیدبانی، آب‌انبارها و حوض‌انبارها، مساجد، پل‌ها، کاروانسراها، آسیاب‌ها و محوطه‌های باستانی می‌باشند. در این بین محوطه باستانی کردند با قدمتی مربوط به دوران اشکانی، کهن‌ترین اثر تاریخی محسوب می‌گردد. همچنین قلعه دختر رقه و پل ترناو، که قسمتی از این آثار متعلق به دوران ساسانیان است، از جمله آثار زیبا و شاخص این شهرستان به‌شمار می‌روند. آثار باستانی بشرویه اکثراً در قرون میانی و متأخر دوران اسلامی بنا گردیده‌اند. طبق متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی، بشرویه در مسیر کاروان‌رو یزد به مشهد مقدس بوده و این مسیر سالانه تعداد زیادی از زوار حرم امام رضا (ع) را به خود می‌دیده است. از این‌رو، دو کاروانسرای زیبا و بزرگ به همراه حجم وسیعی از حوض‌انبارها و آب‌انبارها، که در راستای نیاز بومیان و زوار ساخته شده‌اند، در این شهرستان دیده می‌شود. در این پژوهش از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای با نمونه‌برداری غیراحتمالی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی، بشرویه، بافت تاریخی، دوره اسلامی.

مقدمه

طرح پژوهشی بررسی شناسایی آثار باستانی شهرستان بشرویه برای نخستین بار در بهار ۱۳۹۱ تقدیم اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی گردید که با موافقت و حمایت اداره کل مربوطه در شهریور و مهر ۱۳۹۱ بخش میدانی این بررسی به انجام رسید. طی سالیان گذشته برخی از ابنیه تاریخی این شهرستان، که غالباً در شهر بشرویه نیز قرار داشته، در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده‌اند. اما بشرویه در هیچ برهه زمانی، هدف بررسی باستان‌شناسی نبوده و از این رو، لزوم برررسی جامع از تمام نقاط این شهرستان امری ضروری به نظر می‌رسید. بشرویه به دلیل آب و هوای گرم و خشک و کویری بودن، کمتر مورد توجه باستان‌شناسان بوده، در واقع مقاله حاضر، نتیجه اولین پروژه بررسی باستان‌شناسی این شهرستان می‌باشد. متأسفانه تاکنون مطالعات اندکی در زمینه باستان‌شناسی استان خراسان جنوبی صورت پذیرفته که این امر طی سال‌های اخیر، بر اثر تلاش‌های مجدانه‌ای در حال رفع است. بنابراین شناخت ما از ظرفیت‌های باستان‌شناسی این استان بسیار محدود است. شهرستان بشرویه نیز از این موضوع مستثنی نیست. اندک اطلاعات ما در خصوص تاریخ این منطقه مربوط می‌شود به اشارت سفرنامه نویسانی که از بشرویه عبور کرده‌اند و تعدادی آثار تاریخی که در دهه گذشته ثبت شده‌اند. بنابراین ارائه فرضیاتی در خصوص مسائل باستان‌شناسی این شهرستان قدری با دشواری روبرو می‌شود. در این راستا با توجه به عدم اطلاعات پایه در خصوص وضعیت باستان‌شناختی این منطقه، دو پرسش اساسی مطرح گردید.

پرسش‌ها

- ۱- پراکندگی آثار و محوطه‌های باستانی در منطقه بشرویه به چه صورت است؟
- ۲- اهمیت منطقه در کدام دوره تاریخی بیشتر بوده است؟

فرضیات

- ۱- به نظر می‌رسد آثار و محوطه‌های باستانی در این منطقه بیشتر در حاشیه کویر و در کنار رودها و چشمه‌ها تمرکز داشته باشند.
- ۲- اهمیت این منطقه در قرون متأخر اسلامی (قرون ۱۰ به بعد) بیشتر از سایر ادوار بوده است.

۱- جغرافیای طبیعی

شهرستان بشرویه در شمال غرب استان خراسان جنوبی واقع شده است (شکل ۱). این شهرستان از شمال به بردسکن، از غرب به شهرستان طبس، از جنوب به بخش دیهوک از توابع شهرستان طبس و از شرق به شهرستان فردوس محدود می‌شود. شهرستان بشرویه دارای مساحتی معادل ۵۹۹۳ کیلومتر مربع است که از نظر مختصات جغرافیایی در ۵۳ و ۳۳ عرض شمالی و ۲۵ و ۵۷ طول شرقی جغرافیایی واقع شده است. ارتفاع متوسط شهرستان بشرویه از سطح آب‌های آزاد حدود ۸۸۰ متر و جمعیت آن طبق آخرین آمار ۱۳۸۵ برابر با ۲۳۴۷۴ نفر است.

شهرهای تون و طبس تا سال ۱۳۳۰ ش. تحت نظر یک حاکم اداره می‌شد و بشرویه هم به عنوان قصبه‌ای تحت نظر حاکم این منطقه بوده است. در سال ۱۳۱۶ ش. بشرویه قصبه‌ای بود پر جمعیت که حدود چهار هزار نفر در آن ساکن بودند و مرکز ولایتی بود کوچک که در سمت شرقی خاک طبس واقع شده و جزء حوزه حکومتی طبس به شمار می‌رفت (ریاضی، ۱۳۱۶: ۱۱۵). این شهرستان تا آبان ۱۳۸۷ ش. یکی از بخش‌های شهرستان فردوس به حساب می‌آمد تا آنکه در این سال به شهرستان ارتقا پیدا کرد. بشرویه دارای دو بخش به نام‌های مرکزی و ارسک، چهار دهستان به نام‌های کردند، ارسک، علی جمال و رقه و دو نقطه شهری به نام بشرویه و ارسک است (شکل ۲).

این شهرستان از دو قسمت کم وسعت کوهستانی در غرب و پهنه وسیع کویر و بیابان و ریگ‌زار در شمال، جنوب و شرق تشکیل شده است. بلندترین نقطه آن روی قلّه علی جمال در غرب حوضه با ۲۴۴۵ متر ارتفاع از سطح دریا و پست‌ترین نقطه آن در

کویر نمک با ۷۶۹ متر ارتفاع از سطح آب‌های آزاد قرار دارد. منطقه بشرویه با استناد به میزان بارندگی سالانه، که حدود ۱۱۳ میلی‌متر می‌باشد و میانگین درجه حرارت سالانه ۱۸/۹ درجه سانتی‌گراد، به لحاظ اقلیمی در زمره‌ی مناطق گرم و خشک قرار دارد. حداکثر و حداقل مطلق درجه حرارت هوا در ایستگاه بشرویه ۴۷ درجه سانتی‌گراد (در تیرماه) و ۱۲/۵ درجه سانتی‌گراد (در دی ماه) گزارش شده است. درجه حرارت بالا در روزهای فصول گرم، اختلاف زیاد بین شب و روز، تابش شدید نور خورشید و خشکی نسبی هوا از ویژگی‌های اقلیمی مناطق حاشیه کویری محسوب می‌گردند. درجه حرارت حوزه‌های مختلف این مناطق به موقعیت جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا، جهت و خصوصیات باد بستگی دارد (غفاری، ۱۳۸۱: ۶۲). متوسط رطوبت نسبی سالانه ۵۶/۹ درصد می‌باشد که حداکثر رطوبت، مربوط به دی‌ماه با ۷۶/۲ و حداقل رطوبت مربوط به خردادماه با ۳۰/۴ درصد است. روستاهای شمال بشرویه گرم‌ترند و روستاهای غربی و جنوب‌غربی که ارتفاع بیشتری دارند از درجه حرارت ملایم‌تری برخوردار هستند (حسینی بمرود، ۱۳۸۷: ۱۷).

دوره خشکسالی در منطقه طولانی بوده و در حدود ۷ ماه ارزیابی شده است. خطوط میانگین همباران سالانه منطقه، کمتر از ۵۰ میلی‌متر در قسمت جنوب‌غربی اطراف کویر پرورده، تا بیش از ۲۰۰ میلی‌متر در ارتفاعات کوه شتری در غرب منطقه متغیر می‌باشد. متوسط بارندگی سالیانه ۱۱۳ میلی‌متر و متوسط دمای سالانه منطقه، کمتر از ۱۲/۵ درجه سانتی‌گراد در قله کوه غربی (کوه شتری)، تا بیش از ۲۰ درجه سانتی‌گراد در کویر پرورده نوسان دارد. بارندگی در این منطقه بیشتر از اوایل آبان‌ماه شروع می‌شود و حداکثر تا نیمه اردیبهشت ادامه دارد و از آن به بعد، به ندرت باران می‌بارد. متوسط بارندگی در ایستگاه هواشناسی منطقه ۱۰۹/۷ میلی‌متر در سال می‌باشد (همانجا). جهت بادهای گذشته منطقه از جنوب به شمال غربی و شمال شرقی است در حالی که بادهای طوفان‌زای جدید، از شمال غرب به جنوب شرق می‌وزد (همان: ۱۵).

مراعات منطقه در غرب شهرستان از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است و مراعات شرق بشرویه که در مجاورت کویر قرار دارد، دارای پوشش مناسبی نمی‌باشد. از مجموع مراعات

بشرویه بیش از ۱۱۰۰۰۰ دام، که شامل گوسفند و بز می‌باشند و تعداد ۲۵۰۰ نفر شتر تعریف می‌کنند. سطح جنگل‌های طبیعی که شامل گونه‌های بنه، بادامشک، انجیر کوهی و گونه منحصر به فرد الچن می‌باشد، در حدود ۴۵ هکتار مساحت این شهرستان را به خود اختصاص داده است.

در بشرویه رودخانه دائمی وجود ندارد، ولی بر اثر باران و نزولات جوّی رودخانه‌های فصلی فتح‌آباد، جگرکوه، نخاب، کال اصفاک و کلاوگی شکل گرفته‌اند. آب مورد نیاز کشاورزی این منطقه از قنات، چشمه و چاه تأمین می‌شود. طبق آمار موجود در حال حاضر، تعداد ۲۰۲ حلقه چاه عمیق، ۱۲ چاه نیمه عمیق، ۱۳۳ رشته قنات و ۸۲ چشمه در منطقه وجود دارد که سالانه حدود ۲۳۶ میلیون متر مکعب آب زیرزمینی از آن‌ها استخراج می‌گردد. مطالعات ژئوفیزیک نشان می‌دهد که ضخامت آبرفت در بیشتر نقاط به ۱۵۰ متر می‌رسد. عمق برخورد به سطح آب زیرزمینی در دامنه ارتفاعات حدود ۴۰ متر، در مرکز دشت حدود ۱۰ متر و در حاشیه کویر کمتر از ۵ متر گزارش شده است. جهت آب زیرزمینی از جنوب و غرب به سمت شرق (حاشیه کویر) می‌باشد (همان: ۲۲).

۲- وجه تسمیه

کلمه بشرویه از دو جزء "بش" و "رویه" تشکیل شده است. واژه بش در فرهنگ‌های لغت فارسی به صورت‌های مختلفی معنی شده است. در لغت‌نامه دهخدا این کلمه به معنی کاکل آدمی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۸۱۰) و در فرهنگ زبان فارسی به معنای کاکل، یال و گردن آمده است.

واژه بش را برخی از مواقع به صورت بش نیز ضبط کرده‌اند که معنای آن در فرهنگ معاصر فارسی به صورت بند فلزی که به چیزی مانند صندوق می‌زدند آمده است. همین واژه در لغت‌نامه دهخدا به صورت بشاش گشاده‌روی و خوش و بش کردن معنا شده است. هم‌اکنون لفظ بشرویه در بین مردم مرسوم است و بسیاری بر آن اعتقادند که علت این نام‌گذاری آن است که اینجا محل رویش گیاه بش بوده است. این گیاه به بوته‌ای خودرو از تیره گیاهان کم‌آب کویری و بیابانی اطلاق می‌شود که هم‌اکنون نیز در

این منطقه می‌روید و تلفظ نام آن نیز بدین صورت است. ایرادی که بر این نظر وارد می‌شود آن است که با این مفهوم لفظ بُش به ضم باء به معنی بوته و گیاه به کار نرفته، بلکه آنچه با این معنا آمده بش به فتح باء و سکون شین است که به زراعت دیمی و اصلاً گیاه دیم اطلاق می‌شود. خصوصیتی که به مقدار زیاد با ویژگی‌های گیاه «درمنه» محلی سازگار است. بنابراین از تلفیق نظر لغت‌نامه نویسان و اهالی بومی به خوبی استنباط می‌شود که هر دو از نظر معنا و مفهوم با یکدیگر مشترک و صرفاً از جهت لفظ با یکدیگر اختلاف دارند. لذا دور از ذهن نیست که فرض کنیم ابتدا کلمه بشرویه با فتح باء و سکون شین استعمال می‌شده و بعداً به مرور زمان به صورت امروزی درآمده است (پناهی، ۱۳۷۳: ۷).

۳- بشرویه در سفرنامه‌ها

بی‌گمان قدیمی‌ترین سند تاریخی در مورد منطقه بشرویه اشارهای است که مقدسی در ذیل توضیح سرزمین قهستان آورده است: «... قصبه‌ی آن قاین و شهرهایش تون، جنابد، طبس عناب، طبس خرما، رقه، خور، خوست و کری می‌باشند». هر چند که در پاورقی همین صفحه مصحح کتاب می‌نویسد: «معرفی قوهستان که معرب کوهستان است، در معجم البلدان از همین کتاب مقدسی نقل شده، ولی به جای چهار نام رقه، خور، خوست و کری واژه «طریثیت» آمده است که معرب ترشیز می‌باشد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۳۷).

ناصرخسرو در مسیر بازگشت خود از مکه در مسیر طبس به تون از رقه عبور می‌کند و درباره آن می‌نویسد: «چون از طبس دوازده فرسنگ بیامدیم، قصبه‌ای بود که آن را رقه می‌گویند. آب‌های روان داشت و زرع و باغ و درخت، بارو و مسجد آدینه؛ و دیه‌ها و مزارع تمام دارد. نهم ربیع الآخر از رقه برفتیم و دوازدهم ماه به شهر تون رسیدیم. میان رقه و تون بیست فرسنگ است» (۱۳۶۲: ۱۲۰).

پناهی (۱۳۷۳: ۱۴۵) در پایان‌نامه‌ی خود مطلبی با استناد به نشریه شماره یک تحقیقاتی دانشکده هنرهای زیبا در مورد تاریخچه بشرویه، برگرفته از سفرنامه

ناصرخسرو دارد و چون امکان دستیابی به این شماره مجله در خود دانشکده هنرهای زیبا هم نیست، عیناً به ذکر آن مطلب از همان پایان‌نامه می‌پردازیم: «... قدیمی‌ترین اطلاعاتی که درباره‌ی بشرویه در دست می‌باشد، مربوط به قرن پنجم قمری است. ناصرخسرو در سفرنامه‌ی خود از آن نام برده و می‌نویسد: زمینی به نام بُش بوده که شهر در آن بنا شده است. در آن زمان این شهر به نام میدان گله‌حوض نامیده می‌شد و در محلی مرتفع قرار داشته است. ظاهراً مردم در دهات دامنه کوه زندگی می‌کردند و مرکز جمعیت دهی به نام رقه بوده.»

بریون^۱ (۱۳۶۳: ۴۹) در کتاب معروف خود منم تیمور جهانگشا، به نقل از امیر تیمور گورکانی و قبل از سفر او به بشرویه می‌نویسد: «بعد از نیشابور در خراسان شهرهای بزرگ دیگر وجود داشت مثل سبزوار و بشرویه، که اولی در شمال خراسان بود و دیگری در نیمروز. نسبت به بشرویه توجه نداشتیم مگر به مناسبت اینکه می‌گفتند تمام سکنه آن شهر واقع در نیمروز خراسان دانشمند هستند و در آن شهر کسی نیست که از علوم برخوردار نباشد، ولی با این که همه دانشمند می‌باشند برای تأمین معاش زحمت می‌کشند. شنیده بودم خارکنان بشرویه که از صحرا خار جمع‌آوری می‌نمایند و به شهر می‌آورند که بفروشند مانند مفتی شهر، از علوم برخوردارند و همچنین خربنده‌ها (چهارپا داران) دانشمندانی هستند که می‌توانند کتاب‌های عربی را بخوانند و معنی کنند و من میل داشتم که آن مردم دانشمند عجیب را ببینم و بدانم که آیا آنچه راجع به آنها گفته‌اند واقعیت دارد یا اغراق است.»

۴- اهداف و روش کار (روش‌شناسی)

هر پژوهش علمی خواه به صورت میدانی باشد و خواه اسنادی، مستلزم هدف و روش انجام کار مستدل و قاعده‌مند است که پژوهشگر را به سوی دوری از اشتباه در نتایج سوق می‌دهد. بررسی باستان‌شناسی شهرستان بشرویه نیز خارج از این ضابطه نیست و دارای اهداف و روش کار مشخصی می‌باشد. در این بررسی، سعی شده جدا از شناسایی

تمامی آثار تاریخی این شهرستان در خصوص تنوع آثار و تمرکز آن در دوره‌های زمانی خاص اطلاعاتی حاصل گردد. بررسی مذکور به صورت پیمایشی فشرده و با بهره‌گیری از روش‌های سنتی و نوین بررسی‌های باستان‌شناسی در مناطق وسیع و نیز با روش نمونه‌برداری غیراحتمالی^۱ به انجام رسید. در ثبت و ضبط محوطه‌ها و آثار شهرستان، هم از نام‌های محلی مرتبط بهره گرفته شد و هم کد خاصی به آن داده شد تا در صورت استفاده در نرم‌افزارهای آماری، نتایج بهتر و ضابطه‌مندی حاصل گردد. شماره‌گذاری آثار بدین ترتیب بود که حرف اول اسم لاتین شهرستان بشرویه به صورت B در ابتدای کد آمده، سپس حرف اول اسم لاتین بخش مرکزی یا ارسک به صورت M و یا E در پایان شماره محوطه، که با ۰۰ (دو صفر) شروع می‌شد، در ادامه آمد. بدین ترتیب، در بخش مرکزی شهرستان بشرویه نخستین اثر با کد B-M-001 شماره‌گذاری گردید که به عنوان اولین اثر در بخش مرکزی شهرستان بشرویه است.

لازم به ذکر است که نقشه‌ی جانمایی آثار شهرستان بشرویه با کمک GPS تهیه گردیده و در بخش پیوست‌های گزارش نهایی آمده است. این نقشه جانمایی تمامی آثار شناسایی شده در این بررسی را نشان می‌دهد.

۵- تعداد، انواع و پراکندگی آثار باستانی بشرویه

در پایان بررسی باستان‌شناسی بشرویه، ۱۶۵ اثر تاریخی از این شهرستان شناسایی و معرفی شده است که دارای تنوع زیادی می‌باشند. این آثار عبارتند از ۴۴ خانه قدیمی، ۱۸ قلعه، ۶ بند، ۲۵ برج دیدبانی و حفاظت از زمین‌های کشاورزی، ۱۶ آب‌انبار و حوض‌انبار، ۲ درخت قدیمی چند صد ساله، ۴ مسجد، ۲ کاروانسرا، ۳ مقبره یا آرامگاه، ۳ حسینیه، ۲ حمام، ۲ مدرسه، ۹ کوره، ۲ سازه آبی، ۵ پل، ۱ پایاب، ۱ میل راهنما، ۱۲ آسیاب، ۱ قبرستان دوران اسلامی، ۱ باغ قدیمی و ۶ محوطه باستانی. در این بین محوطه باستانی گُرد با قدمتی در حدود دوران پارتنی (اشکانیان) کهن‌ترین اثر تاریخی محسوب می‌گردد. همچنین قلعه دختر رقه و پل ترناو، که قسمتی از این آثار متعلق به دوران

۱. نمونه‌برداری که در آن دقت برداشت داده‌های منقول حد ممکن برسد، بدین صورت که از همه داده‌ها به تناسب پراکندگی‌شان نمونه‌برداری می‌شود.

ساسانیان است، از جمله آثار زیبا و شاخص این شهرستان به‌شمار می‌روند. با گذری اجمالی بر تمامی آثار باستانی بشرویه در خواهیم یافت سه نوع از این آثار از لحاظ کمیّت در درجه بالاتری هستند که عبارتند از: بافت قدیمی، قلاع و برج‌های حفاظتی (دیدهبانی) و سازه‌های آبی. جدا از این سه گروه، پل ترناو و محوطه تاریخی کردند نیز از ارزش تاریخی بسیاری برخوردارند.

۶- بافت قدیمی

بشرویه از جمله اندک شهرهایی در ایران است که دارای بافت سنتی درون‌شهری می‌باشد (تصویر ۱). فارغ از شهر بشرویه، روستای نیگنان و شهر ارسک (تصویر ۲) از توابع شهرستان بشرویه نیز از این بافت تاریخی برخوردارند. شالوده شهری بشرویه نشان می‌دهد که این شهر، از ابتدای گسترش آن در دوره تیموری، با رشدی نسبتاً سریع به‌عنوان یک شهر مطرح شده است. مهم‌ترین سند کالبدی مدنیت بشرویه از همان دوران کهن، وجود میدان تقریباً مستطیل شکل آن در مرکز شهر و در میانه راسته اصلی بازار قدیم بشرویه بوده است. با تخریب‌های اساسی و احداث خیابان در دوره پهلوی و ایجاد میدانی جدید در وسط آن پس از انقلاب، اکنون تنها یکی از زوایای قائمه میدان باقی مانده است. معابر بشرویه در مسیر قنات‌هایی که از سمت کوه‌های رقه در جریان است، شکل گرفته و مهم‌ترین معبر قدیمی بافت، کوچه حسینیه رباطی و راسته بازار اصلی بشرویه بوده است که پس از عبور از میدان اصلی شهر، در جهت غرب ادامه یافته و از شهر خارج می‌شده است.

شهر قدیم بشرویه، چهار محله اصلی به نام‌های میان‌ده، پایین محله، مقری و سرپل دارد. این بافت، که با خانه‌های خشت و گلی و بادگیرهای مختلف معروف است، یکی از وسیع‌ترین بافت‌های تاریخی در خراسان جنوبی محسوب می‌گردد. معماری نفیس تیموری و صفوی در بومی‌ترین اشکال خود در اینجا مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای که کامل‌ترین سیر تحول معماری مسکونی در این خانه‌های قدیمی قابل مشاهده است. هم‌اکنون این بافت که مجموعه‌ای از بناهای مذهبی، اماکن عمومی و منازل مسکونی با

اشکال مختلف است، با شماره ۷۸۳۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است. در اینجا به دلیل محدودیت در حجم نوشتار، اختصاراً به بناهای شاخص محله میان‌ده، از معروف‌ترین محله‌های بشرویه، اشاره می‌شود.

۶-۱- محله میان‌ده

این محله یکی از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین محله‌های بافت قدیمی بشرویه است که بسیاری از بناهای شاخص آن همچنان دست نخورده باقی مانده‌است. از بناهای شاخص محله میان‌ده می‌توان موارد زیر را نام برد:

۶-۲- مسجد میان‌ده

این اثر در میدان مرکزی محله میان‌ده و در مجاورت بناهای تاریخی شاخص این محله^۱ و شهرستان بشرویه قرار دارد. طبق کتیبه سنگی سردر ورودی مسجد، تاریخ ساخت بنا ۱۰۳۰ قمری و بانی آن شخصی به نام حاجی حسین نامدار می‌باشد. در اطراف حیاط مرکزی با تعبیه ۱۲ ستون آجری، که طاق‌هایی جناغی را بر خود حمل می‌کنند، رواق‌هایی با سقف‌های گنبدی تشکیل داده‌اند. تنها ایوان مسجد در سمت غرب آن قرار دارد و یک محراب نیز بر دیواره انتهایی آن تعبیه گردیده است. سقف ایوان با دو تویزه^۲ که دو پوشش گنبدی و نیم گنبدی را به خود حمل می‌کنند، تشکیل شده است. دور ایوان را کتیبه‌ای به خط ثلث و کوفی حاوی سوره جمعه، فرا گرفته است. همچنین معمار چیره‌دست مسجد با چیدن آجر به اشکال مختلف هندسی (خفته و راسته) بر سقف، هنر خود را به نمایش گذاشته‌است (تصویر ۳).

۶-۳- حسینیه حاج علی اشرف

اجرای شعائر و مراسم ویژه آیینی (خصوصاً مراسم عزاداری و جشن میلاد مذهبی)

۱. مانند آب‌انبار میان‌ده، حسینیه حاج علی اشرف، مدرسه علمیه ملا عبدالله تونی بشروی و خانه ملا عبدا.. تونی

بشروی

۲. دنده‌های اصلی پوشش تاق، قوسی که با گچ و نی می‌سازند.

برای مردم بشرویه مهم بوده و وقف کردن خانه‌های شخصی برای کارکردهای مذهبی مانند حسینیه و خانه روضه، بسیار معمول است. حسینیه حاج علی اشرف در محله میان ده و در مجاورت مسجد میان‌ده قرار گرفته و چون توسط حاج علی اشرف، از علمای دوره افشاریه، ساخته شده است، به این نام مشهور گردید. فضای داخلی بنا به صورت هشت ضلعی طراحی شده و دو ایوان در سمت شرق و غرب و رواق‌هایی در دو جناح دیگر تعبیه شده است. ایوان غربی مرتفع و در انتهای آن شبستانی قرار گرفته که در سال‌های اخیر احداث و به آن الحاق شده است. سقف ایوان‌های شرقی و غربی با کاربندی گچی تزئین یافته و به این روش، شکل نیم شمسهای در آنها ایجاد شده است. حجره‌های حسینیه به صورت دو طبقه و هر طبقه دارای رواق‌هایی با چهار چشمه طاق ساخته شده‌اند. در چهار گوشه بنا نیز چهار چشمه طاق و شش اتاق در اطراف وجود دارد. در میان حسینیه، مخزن آبی که به حوض آب نیز خوانده می‌شود، وجود داشته که علاوه بر رفع نیاز به آب، از جنبه تبرک نیز برخوردار است. یک منبر چوبی نیز در شبستان حسینیه قرار دارد که دارای تزیینات مشبک می‌باشد و بر کنار آن کتیبه‌ای برجسته به این مضمون وجود دارد: هوالموفق - واقف حاجی علی اشرف عمل استاد محمد سنه ۱۱۶۷. با توجه به نوشته کتیبه، وقف این بنا توسط حاج علی اشرف و ساخت آن به دست استاد حسن می‌باشد.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۴-۶- آب‌انبار میان‌ده

آب‌انبار میان‌ده، که طبق کتیبه موجود بر روی بنا سال ساخت آن ۹۷۶ قمری می‌باشد، در کانون مرکزی محله قرار گرفته است. اثر فعلی شامل یک سردر با طاق جناغی و منبع ذخیره آب می‌باشد. سردر آن به صورت ایوان مرتفع ایجاد شده که در جهت وزش باد غالب شهر بنا گردیده و در قسمت انتهایی، تزیینات آجرکاری با نقش لوزی‌های به هم چسبیده مشهود است. راه‌پله اثر به طور کامل تخریب شده که ورود به منبع را غیر ممکن ساخته است. منبع ذخیره آب به صورت هشت ضلعی بوده که دیواره‌های آن با آجر و ساروج ساخته شده است. گنبد آن نیز به صورت مدور ایجاد

گردیده که در ساقه گنبد دارای دریچه‌هایی با فواصل معین جهت تهویه هوا و نورگیری ساخته شده است. هر ضلع در مجموع هفت دریچه را دارا می‌باشد. همچنین بر فراز آب انبار، بادگیری مرتفع قرار گرفته و این خصیصه آن را از سایر آب‌انبارها متمایز ساخته است. استفاده از این آب‌انبار با شیوه برکه‌ای و به‌وسیله سطل و طناب میسر بوده که در دوره قاجار با ایجاد پله و پاشیر، یک دسترسی تازه از پشت آن تعبیه شده است (تصویر ۴).

۵-۶- مدرسه علمیه

مدرسه و یا حوزه علمیه در سال ۱۱۳۰ قمری توسط حاج عبدالغنی بشروی بنا گردیده که روبروی مسجد میان‌ده واقع شده است. ورودی این بنا دارای طاق جناغی بوده که درون آن با استفاده از گچ، مقرنس کاری شده است. فضای ورودی با طاق قوسی به سمت داخل هدایت می‌شود که در طرفین آن، دو سکوی آجری قرار دارد. صحن بنا به‌صورت مستطیل شکل است که دو ایوان زمستانه و تابستانه در قسمت‌های شمال غربی و جنوب شرقی ایجاد شده است. این ایوان‌ها دارای قوس جناغی می‌باشند که به‌وسیله سه طاق تویزه کوچک در ابتدا، وسط و انتهای ایوان و دو طاق ضربی بر روی این سه طاق تویزه پوشیده شده‌اند. این پوشش در انتهای ایوان زمستانه متفاوت می‌باشند. ایوان تابستانه این مدرسه، دارای تزیینات آجرکاری زیبایی است. این آجرکاری‌ها در قسمت جلوی ایوان و در لچکی‌های فوقانی ایوان به‌صورت مورب و در قسمت انتهای ایوان و در طاق ضربی بین تویزه‌ها به‌صورت خفته و راسته تزئین شده‌اند. دورتا دور صحن دارای ۱۳ حجره بوده که این حجره‌ها، محل تدریس طلاب می‌باشد. حجره‌ها در قسمت جلویی دارای پیشخوانی با طاق جناغی می‌باشند (تصویر ۵).

۶-۶- منزل ملاعبدالله تونی بشروی (موزه مردم‌شناسی)

این خانه، با معماری اصیل خود، زادگاه یکی از عالمان بزرگ ایران در دوره صفوی به نام ملاعبدالله تونی بشروی بوده است. هم‌اکنون این خانه توسط یکی از فرهیختگان

شهر بشرویه خریداری و تبدیل به یکی از غنی‌ترین موزه‌های مردم‌شناسی استان شده است. این بنا چهار ایوانی بوده و چهار گوشه حیاط به صورت پخ، با زاویه ۴۵ درجه نسبت به اضلاع اصلی قرار گرفته است. ایوان ضلع شمالی، که از لحاظ تزئینات زیباترین ایوان است، دارای تزئینات رسمی‌بندی و گچبری می‌باشد. این خانه همچون دیگر منازل نفیس بشرویه، دارای اتاق بادگیر و اتاق مهمان‌سرا با تزئینات گچبری زیبا می‌باشد.

۶-۷- منازل مستوفی

این منازل، که در غرب محله میان‌ده واقع گردیده، متعلق به اوایل دوره قاجاریه و دارای ایوان‌های مجلل و ستون‌دار می‌باشند. سردر اتاق‌ها و راهروهای اطراف حیاط با نوعی تزئینات رسمی‌بندی، معروف به قاشقی، تزیین شده است. آنچه این خانه‌ها را از سایر بناهای مشابه متمایز کرده، سه بادگیر مرتفع و متوالی می‌باشد. بر دهانه هر یک از چشمه‌های بادگیرها، نقوشی با گچ ساخته شده است. مجاور این خانه‌ها، یک ساباط^۱ ارزشمند وجود دارد که نام خود را از خانه مستوفی گرفته و یکی از معدود ساباط‌های بازمانده از مجموعه ساباط‌های قدیمی خراسان جنوبی است.

۷- قلاع و برج‌های دفاعی

بشرویه در حدود ۱۸ قلعه و ۲۵ برج حفاظتی دارد که نشان از ناامن بودن منطقه از دست غارتگران در بعضی از اعصار تاریخ دارد. به گفته اهالی کهن‌سال روستاهای این شهرستان، تا حدود ۵۰ سال پیش مردمان برای حفاظت جان و مال خود به این قلعه‌ها و برج‌ها پناه می‌بردند. میرزا خانلرخان (۱۳۶۴: ۲۵۱) در این باره می‌گوید:

«... بشرویه به قدر سه هزار خانه‌وار سکنه دارد. قلعه و بارو و برج و ارگ دارد». همچنین مک‌گرگور^۲ (۱۳۶۶: ۱۳۵-۱۳۹) در این راستا می‌نویسد: پیش‌تر این مردم در معرض قتل و غارت بلوچ‌ها بوده‌اند، ولی اکنون مرد مسلحی در بشرویه مشاهده نمی‌شود. در این مسیر، بشرویه اولین محلی است که در آن برج‌هایی مشاهده می‌شود

۱. کوچه سرپوشیده مابین خانه‌ها

که به منظور پناهگاه ساخته شده است، البته بعدها در نواحی مرکزی ترکمان‌نشین، بیشتر به آنها برخوردیم. این برج‌ها به تعداد زیاد و به‌طور پراکنده در زمین‌های اطراف اینجا مشاهده می‌شود. گفته می‌شود غارتگرانی که به این روستا یورش می‌بردند، بلوچ‌های سیستانی بوده‌اند که این موضوع در نظر اول غیرممکن به نظر می‌رسد.

به‌طور کلی در حوزه جغرافیایی بشرویه، برج‌ها و قلاع زیادی به چشم می‌خورد که در حال حاضر یا بسیار آسیب دیده‌اند و یا آنچه باقی مانده، تبدیل به محل نگهداری احشام گردیده، و از این حیث نیازمند توجهی جدی است. برج‌های حفاظتی، سازه‌هایی استوانه‌ای شکل هستند که قطر پایه آنها بیشتر از قطر قسمت فوقانی‌شان است. این برج‌ها از خشت خام ساخته شده و فاقد تزیینات وابسته به معماری می‌باشند. سازه‌های مذکور در دو و یا سه طبقه ساخته می‌شده‌اند که در طبقات بالایی، پنجره‌های کوچکی برای دیده‌بانی و تیراندازی تعبیه شده است. اکثر این برج‌ها ظرفیت سه الی چهار نفر را دارند که معمولاً در میان زمین‌های کشاورزی و اطراف روستا بنا گردیده‌اند. البته تعدادی از این برج‌ها با مساحت بیشتر در میان روستاهای کم جمعیت همانند ده سفید (تصویر ۱۰) ساخته شده‌اند، که در زمان غارت، مردم روستا بدان جا پناه گیرند. اما در خصوص قلعه‌ها، موضوع کاملاً متفاوت است. قلعه‌ها تماماً چهار ضلعی هستند که در اکثر موارد چهار برج در چهار گوش آنها تعبیه شده است. عموم این قلعه‌ها حیاط مرکزی دارند، به استثناء قلعه روستای هوگند و زیرک که فاقد حیاط می‌باشند. مصالح به‌کار رفته در ساخت قلاع خشت خام و گل می‌باشد و از گچ برای تزیین استفاده کرده‌اند. دور تا دور حیاط مرکزی اتاق‌هایی وجود دارد که محل اسکان، پخت و پز و انبار آذوقه دام بوده است. در بیشتر موارد، قلعه دارای شاه‌نشینی است که از لحاظ وسعت و تزیینات در مرتبه بالاتری نسبت به سایر قسمت‌ها می‌باشد. این قلعه‌ها تا چندین دهه پیش قابل سکونت بوده و مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. از شاخص‌ترین و زیباترین آن‌ها می‌توان به قلعه عزیز آباد (تصویر ۶)، غنی‌آباد (تصویر ۷)، طرجد (تصویر ۸)، خانیک، صفار (تصویر ۹)، چهار برج، موتور رضایی و نیگنان اشاره کرد. تاریخ ساخت این برج‌ها و قلعه‌ها به دوران صفویه بر می‌گردد که تا دوران معاصر نیز ادامه پیدا می‌کند؛ به استثناء

قلعه دختر رقه که سابقه ساخت اولیه آن به دوران ساسانی می‌رسد و در دوران سلجوقی توسط اسماعیلیان گسترش می‌یابد. در ذیل به شرح مختصر این قلعه می‌پردازیم. در فاصله ۱۲ کیلومتری غرب بشرویه، در مجاورت آسیاب دهنه، بر بالای کوهی به ارتفاع تقریبی ۳۰۰ متر از سطح زمین‌های اطراف، قلعه‌ای قرار گرفته که از سه طرف مشرف بر پرتگاه تقریباً غیر قابل عبوری است و فقط از سمت جنوبی آن راه عبور وجود دارد. موقعیت آن طوری انتخاب شده که بر تمامی دشت مجاور مسلط است، به طوری که از فاصله چند کیلومتری آثار آن کاملاً مشهود است.

قلعه دختر رقه دارای چند حصار تودرتو و غیر منظم بوده که بر اساس عوارض کوه ساخته شده است. در میانه‌ی راه دسترسی به قلعه، فضای چهارگوش مخروطی‌ای وجود دارد که احتمالاً می‌بایست مخزن آبنباری باشد که آب در آن، برای فصول خشک ذخیره‌سازی می‌شده است. حصارهای قلعه دارای برج‌های مدور، تیردان و دیوارهای بسیار مرتفع بوده است. بر بالای قلعه، برج‌هایی به ارتفاع تقریبی سه الی چهار متر با دیوارهای به هم پیوسته و چند محفظه و اتاقک وجود دارد. در محدوده حصار اول، فضایی دیده می‌شود که احتمالاً مجموعه سربازخانه‌ها متشکل از اتاق‌های کوچک در دو طرف یک راهرو و مکانی برای نگهداری تسلیحات و استراحت نیروهای محافظ قلعه بوده است. نمونه این فضای معماری را در برخی از قلاع اسماعیلیه می‌بینیم. البته از پوشش سقف آن چیزی باقی نمانده است. در محدوده حصار دوم، شاهد فضاهای متعددی از جمله دالان‌های عریض و مسقف با پوشش آجری و سنگی، برج‌های مدور دیده‌بانی با منفردهایی جهت تیراندازی، تالارها و اتاق‌های وسیع هستیم. در مرتفع‌ترین قسمت قلعه، فضایی تقریباً مستطیل شکل وجود دارد که حیاط آن توسط لاشه سنگ احاطه شده است. در لابه‌لای این سنگلاخ‌ها، دو فضای مدور تقریباً بزرگ ایجاد شده که محل نگهداری آب باران است. مصالح اصلی جهت ساخت این قلعه از خشت، سنگ‌ریزه، سنگ‌های ساده، تراشیده شده و ملات گچ بوده است (سلیمانی رباطی، ۱۳۸۹: ۱۰۱). باقی ماندن فضاهای متعدد از جمله دالان‌های عریض و مسقف، برج‌های مدور دیده‌بانی، تالارها و اتاق‌های وسیع و آبنبارها باعث گردیده که قلعه دختر بشرویه یکی از سالم‌ترین قلاع

کوهستانی خراسان جنوبی و شرق ایران به شمار آید. در مورد سابقه تاریخی آن دو نظر وجود دارد: یکی آنکه قلعه مزبور در شمار سلسله قلاعی است که به همین نام از دوران ساسانی باقی مانده و نمونه‌هایی از آن در دیگر شهرهای ایران دیده می‌شود و همگی از نظر بافت بر بالای بلندی‌ها و نقاط صعب‌العبور قرار دارند و اغلب شیوه بنای مربوط به قبل از اسلام و خصوصاً عهد ساسانی را داشته و با توجه به نظرات افراد بومی، بیشتر جنبه تقدس و دفاعی داشته است. بر اساس این اعتقادات محلی منطقه، این قلعه قدمت هزاران ساله دارد (برخی معتقدند در گذشته گبرها^۱ در آن زندگی می‌کرده‌اند) که البته از نظر علمی فاقد مستندات و پژوهش‌های مستدل می‌باشد. نظر دیگر مربوط به دوره فعالیت اسماعیلیان در جنوب خراسان، به خصوص ناحیه قهستان است و این قلعه احتمالاً در زمره پناهگاه‌هایی است که این فرقه در منطقه تون و طبس داشته‌اند و در نیمه قرن هفتم قمری با حمله مغول از رونق افتاده است. این نظر نیز با توجه به سبک معماری بنا، قوی به نظر می‌رسد. به خصوص این‌که مسیر حرکت و جاده ارتباطی تون به طبس نیز سابقاً از همین جا می‌گذشته و از نظر دفاعی شرایط ممتازی داشته است (تصویر ۱۱). همچنین تعداد ۱۳ قطعه سفال شاخص از این قلعه برداشت گردید که از نظر لعاب در دو گروه لعاب‌دار و بدون لعاب جای می‌گیرند. گونه‌های لعاب‌دار چهار قطعه بوده که دارای لعاب یک‌رنگ آبی فیروزه می‌باشد. سفال‌های بدون لعاب سه قطعه را شامل می‌شود که دارای نقوش خراشیده شانه‌ای بر روی اسلیپ^۲ نخودی است. از گونه‌های برداشت شده چهار قطعه دست‌ساز با شاموت^۳ آلی (کاه) و بقیه سفال‌ها چرخ‌ساز با شاموت کانی و خمیره نخودی قرمز می‌باشد. این سفال‌ها از نمونه‌های متعلق به سده‌های میانی اسلامی، قرن هفتم و هشتم قمری است.

۱. در بسیاری از مناطق خراسان به زرتشتی‌ها اطلاق می‌گردد.

۲. slip نوعی پوشش گلی است؛ بدین صورت که سفال را پس از ساخت درون دوغاب ساخته شده فرو می‌برند.

۳. مواد تشکیل دهنده سفال

۸- سازه‌های آبی

بشرویه به دلیل واقع شدن در حاشیه کویر دارای اقلیم گرم و خشک و نسبتاً کم آب می‌باشد. با این وجود، از دیرباز بومیان منطقه تدابیر مهمی در مدیریت بهره‌برداری از آب در این منطقه اندیشه‌اند. از جمله این تدابیر می‌توان به حفر قنات، ساخت آب‌انبار و آسیاب‌های بسیار اشاره کرد. انتقال آب از قنات‌ها به شهر مستلزم کانال‌کشی و استفاده از تن‌پوشه‌های سفالی بوده که شناسایی حدود نه کوره پخت کَوَل (تن‌پوشه) دال بر این مدعاست. همچنین احداث بیش از شش بند آبی در مسیر رودهای فصلی به منظور کنترل و استفاده از آب آن برای کشاورزی بر این موضوع صحه می‌گذارد.

۸-۱- آسیاب‌ها

وجود آسیاب‌های آبی فعال، یکی از نوادر میراث فرهنگی در کشور است که مانند آن، امروزه در کم‌تر جایی از مناطق کویری دیده می‌شود. آسیاب‌های هفت‌گانه در مسیر یک قنات قدیمی از رقه به بشرویه و با مهندسی بسیار بالا در یک شیب ملایم کویری شکل گرفته‌اند که بیش از نیمی از آن‌ها هنوز مشغول به کار بوده و آرد سنتی با کیفیت بالا تولید می‌کنند. در مجموع ۱۲ آسیاب تاریخی در بشرویه شناسایی شده‌اند که بیش از نیمی از آن‌ها در حال استفاده می‌باشند. از جمله شاخص‌ترین این آسیاب‌ها می‌توان به آسیاب دهنه (تصویر ۱۲)، میرزا، سنگی و علی آباد اشاره داشت.

۸-۲- پل‌های ترناو

این پل‌ها یکی از شاهکارهای جالب معماری است که در دل گذاری^۱ قرار گرفته است. که علاوه بر فن‌آوری سنتی بسیار بالا، که نشان از اهمیت تاریخی منطقه دارد، با یکی از ویژگی‌های بسیار بکر طبیعت همراه گشته و منظره بدیعی را خلق کرده است. این پل‌ها شامل دو سازه معماری سنگی است که ارتباط جریان آب قنات را میان دو سوی یک درّه برقرار می‌کرده و یک دهانه اصلی دارد که به یاری دو پایه قطور مربع

۱. در لهجه‌های محلی به برخی جاها و مکان‌های تقریباً مرتفع و شیب‌دار گذار گفته می‌شود.

شکل استقرار یافته و ۲۲ متر ارتفاع دارد. پایه‌های پل‌ها که از سنگ لاشه، ساروج و گچ ساخته شده، بر روی بستر سنگی قرار گرفته‌اند. احتمالاً قدمت پل کوچک‌تر به دوران ساسانی و پل بزرگ‌تر به دوره سلجوقی می‌رسد. سبک معماری پل جدید با پل قدیمی متفاوت است. در پل قدیمی تاق‌ها هلالی و سنگی است، حال این که پل جدید تاق‌های جناغی و نمای آجری دارد. علاوه بر این، بر بدنه این پل درگاه‌ها و تاقچه‌هایی تعبیه گردیده که به‌نظر می‌رسد علاوه بر تأمین نور فضاهای معماری تعبیه شده در پایه، نوعی زیبایی منظر را نیز القاء می‌کرده است. وظیفه این پل انتقال آب از یک سوی درّه به سمت دیگر و انتقال آب به مسیر قنات مجازی^۱ بوده است که آب را با گذر از ۶۰ حلقه چاه به روستای فتح آباد می‌رسانده است. نوع مصالح به‌کار رفته در بدنه و پایه‌های پل، قابل مقایسه با پل‌های دوره ساسانی است (تصویر ۱۳).

۹- محوطه کُرنَد

این محوطه در ابعاد تقریبی ۷۵×۱۷ متر و با وسعت ۱۱۳۵ متر مربع، در امتداد جهت شرقی - غربی میان کوه‌های مرتفع در شمال شرق روستای کُرنَد واقع شده است (تصویر ۱۴). موقعیت این اثر بر اساس مختصات GPS، ۳۳ و ۵۵ دقیقه عرض شمالی و ۵۷ و ۹ دقیقه طول شرقی و ارتفاع ۱۲۶۵ متر از سطح دریا می‌باشد. وجود کوه‌های مرتفع و رودخانه‌های فصلی بهترین شرایط را برای شکل‌گیری این محوطه، فراهم آورده‌اند. هم‌اکنون این اثر به‌طور کامل فرسایش یافته و به همین دلیل ناهمواری‌هایی در سطح آن مشاهده می‌شود. قسمت غربی تپه نسبت به سطح زمین‌های اطراف، حدود یک متر ارتفاع دارد. امروزه بخش‌هایی از تپه توسط اهالی منطقه جهت ایجاد زمین‌های کشاورزی خاک‌برداری شده است. در سمت شمال شرق سطح تپه، آبراهه‌ای ایجاد گردیده که باعث برش و شسته شدن سطح محوطه شده است. همچنین اخیراً در سطح محوطه یک جاده خاکی در امتداد جهت شرقی - غربی احداث گردیده است. سفال، تنها داده فرهنگی منقول به‌دست آمده از سطح محوطه می‌باشد. تراکم سفال در قسمت

۱. سازه‌ای مشابه با کارکرد قنات. بدین صورت که چندین حلقه چاه و کانال در دیوار رودخانه و دره حفر گشته تا آب را از چشمه به سمت روستا هدایت کند.

غربی تپه از سایر نقاط چشمگیرتر است.

این محوطه در سال ۱۳۸۷ توسط فرجامی (۱۳۸۷: ۱۰۸) مورد تعیین عرصه و پیشنهاد حریم قرار گرفته است. در این حفاری گمانه‌هایی در قسمت شرقی و غربی ایجاد شده و طی آن قبوری ظاهر گشته است. طبق گزارشات موجود از این کاوش، داده‌های سفالی (تصویر ۱۵) و شیوه‌های تدفین گورهای نمایان شده، این محوطه متعلق به دوره پارتنی (اشکانیان) می‌باشد.

نتیجه

بشر از دیرباز مناطقی را که از لحاظ تأمین منابع آبی و زمین‌های مرغوب غنی به نظر می‌رسید برای استقرار انتخاب می‌کرده است. همان‌طور که ذکر آن رفت، اکثر مناطق بشرویه به سبب آب و هوای گرم و خشک کویری و شرایط سخت زندگی، کمتر مورد توجه گروه‌های انسانی در اعصار دور بوده است. اما این وضعیت در کوهپایه‌ها متفاوت‌تر بوده و به دلیل منابع آب کافی، قدمتی کهن را دارا است. شرایط موجود در اواسط دوران اسلامی به دلیل قرارگیری بشرویه در مسیر کاروان‌رو یزد به مشهد مقدس و عبور زوّار امام رضا (ع) از این مسیر، تغییر کرده و همراه با رشد علوم و فنون آن عصر در بهره‌برداری از منابع آبی و انطباق هر چه بیشتر با شرایط سخت محیطی، شاهد رشد و گسترش این شهرستان می‌باشیم.

در پاسخ به این پرسش که پراکندگی آثار و محوطه‌های باستانی، در منطقه اجرای طرح به چه صورت است، می‌توان اظهار داشت مناطقی که از منابع آبی کافی برخوردارند سابقه تاریخی کهن‌تری دارند و آثار بیشتری در آن قسمت‌ها مشاهده شده است. نواحی کوهستانی، کوهپایه‌ها و دشت‌هایی که سفره‌های زیرزمینی پرآب‌تری دارند و امکان بهره‌برداری از آنها آسان‌تر است، از جمله این مناطق به‌شمار می‌روند. این شیوه در قرون میانی و متأخر اسلامی همچنان به قوت خود پا برجا می‌ماند، با این تفاوت که در این اعصار مناطقی که در مسیر کاروانیان قرار گرفته‌اند، به دلیل کسب و کار و تجارت، رونق می‌گیرند. همچنین در راستای نیاز مسافران، دو کاروانسرای بزرگ و زیبای نیگنان در

شمال و اصفاک در شمال غرب بشرویه در طول این مسیر ساخته شد که امروزه کاملاً سالم مانده‌اند. اما در رابطه با پرسش دوم که بشرویه در کدام دوره بیشترین رونق و تعداد آثار را داشته است، باید گفت شواهد و آثار به‌جا مانده نشان دهنده‌ی این مطلب است که بشرویه در دوران صفوی، افشاری و قاجاریه در اوج گسترش و آبادانی خود به‌سر می‌برده است. بیش از ۱۵۰ اثر این شهرستان مربوط به ادوار ذکر شده می‌باشند که خود گواهی محکم بر این فرضیه هستند. بافت تاریخی شهر، که در دوران صفوی و افشاری شکل گرفت و در دوران قاجاریه نیز مورد توجه بود، بیشترین بناهای تاریخی از قبیل خانه‌ها، حسینیه‌ها، آب انبارها، حمام‌ها و مساجد را در خود جای داده است. با توجه به این‌که بررسی باستان‌شناسی اخیراً صورت پذیرفته، تاکنون مرحله میدانی خود را پشت سر گذاشته و در حال پیمودن اولین مراحل خود در عرصه پژوهش و مطالعه بر روی آثار است. بحث و ارائه فرضیات بیشتر در خصوص وضعیت باستان‌شناختی این منطقه، عملی عجولانه و غیر علمی به‌نظر می‌رسد. بشرویه با توجه به غنای آثارش، مستعد مطالعات جدی در زمینه‌های علوم معماری، جامعه‌شناسی، تاریخ، هنر و باستان‌شناسی می‌باشد. این بررسی نخستین گام در این مسیر بوده است و امید آن می‌رود در آینده‌ی نه چندان دور، شاهد پژوهش‌های نوین و روشمند در این عرصه باشیم.

منابع

۱. انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر فارسی، ج ۲. ذیل "بش".
۲. بریون، مارسل (۱۳۶۳). منم تیمور جهانگشا. ترجمه: ذبیح‌الله منصوری. تهران: مروی.
۳. پناهی، غلامرضا (۱۳۷۳). "جغرافیای تاریخی بشرویه". پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
۴. حسینی بمرود، غلامرضا (۱۳۸۷). طرح شناخت مناطق اکولوژیک کشور، تیپ‌های گیاهی بشرویه. تهران: سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، مؤسسه تحقیقات.
۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، ج ۴. ذیل "بش".

۶. ریاضی، غلامرضا (۱۳۱۶). "جغرافیای تاریخی بشرویه". سالنامه شرق ایران، سال اول، ش اول: ۱۱۶-۱۱۸.
۷. سلیمانی رباطی، امیر (۱۳۸۹). "مطالعه آثار معماری بر جای مانده در شهرستان بشرویه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۸. صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین؛ حکمی، نسترن (۱۳۸۸). فرهنگ زبان فارسی، ج ۱. ذیل "بش".
۹. غفاری، علی (۱۳۸۱). "نظام استقرار و فرم معماری و شهرسازی در توسعه پایدار (نمونه مناطق حاشیه کویر ایران)". مجله علمی. پژوهشی صفا، سال دوازدهم، ش ۳۴ (بهار و تابستان): ۶۱-۷۳.
۱۰. فرجامی، محمد (۱۳۸۷). گزارش گمانه‌زنی تعیین حریم قبرستان تاریخی کردند. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی [چاپ نشده].
۱۱. مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). "حسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم". ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۱۲. مک گرگور، سی.ام. (۱۳۶۶). شرح سفری به ایالت خراسان و شمال غربی افغانستان، ج ۱. ترجمه مجید مهدی‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.
۱۳. میرزا خانلر خان اعتصام الملک (۱۳۵۱). سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک. به کوشش منوچهر محمودی، تهران: منوچهر محمودی.
۱۴. ناصر خسرو (۱۳۶۲). سفرنامه ناصر خسرو. به کوشش نادر وزین‌پور. تهران: کتاب‌های جیبی.



شکل (۱) نقشه استان خراسان جنوبی
(www.google.com)



شکل (۲) نقشه تقسیمات سیاسی
شهرستان بشرویه



تصویر (۱) عکس هوایی از شهر بشرویه و بافت قدیمی آن در سال ۱۳۴۷ ش.
(www.googleearth.com)



تصویر ۲) نمایی از شهر بند و بافت تاریخی شهر ارسک



تصویر ۳) نمای داخلی و ایوان مسجد جامع میان‌ده



تصویر ۴) دور نمای سردر آب‌انبار میان‌ده



تصویر ۵) فضای داخلی مدرسه ملا عبدالله میان ده



تصویر ۶) نمای داخلی قلعه عزیزآباد



تصویر ۷) نمای جنوبی قلعه غنی آباد



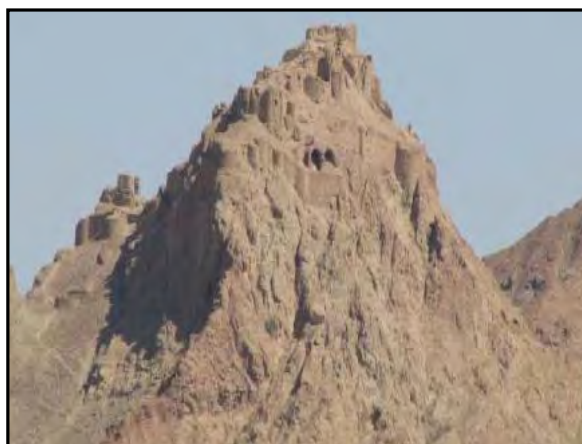
تصویر ۸) نمای جنوب شرقی قلعه طرجد



تصویر ۹) نمای عمومی قلعه صفار



تصویر ۱۰) نمای عمومی برج دهسفید



تصویر (۱۱) نمای عمومی قلعه دختر



تصویر (۱۲) نمایی از آسیاب دهنه



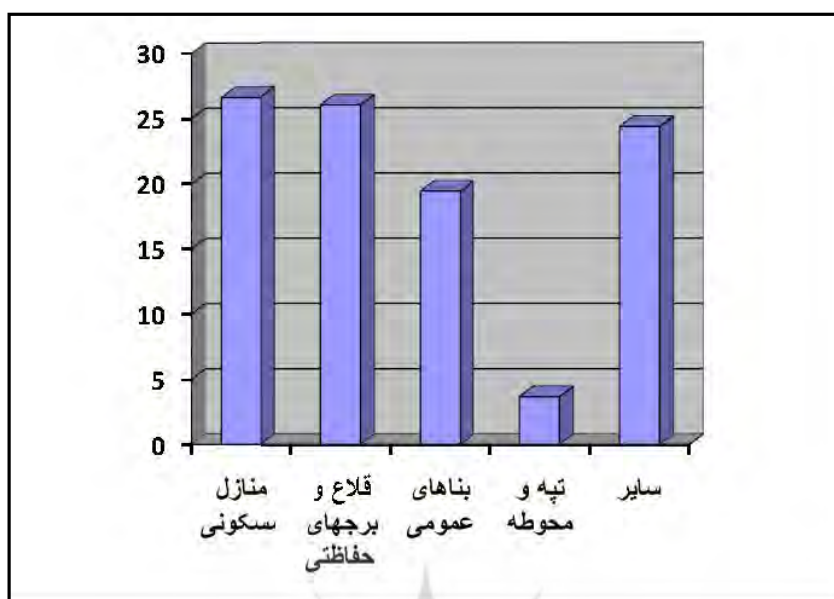
تصویر (۱۳) دور نمای پل های ترناو



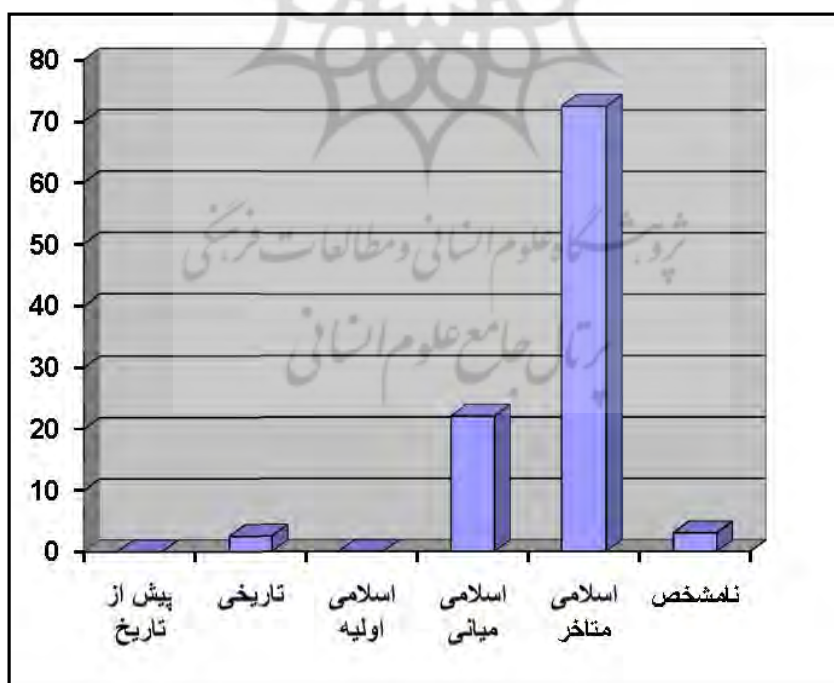
تصویر ۱۴) نمای شرقی تپه و محوطه کردند



تصویر ۱۵) نمای سفال‌های تپه کردند



نمودار (۱) درصد آثار یافت شده بر اساس نوع



نمودار (۲) درصد آثار یافت شده بر اساس قدمت